

حریم خصوصی مقامات عمومی

رضا پرستش^۱

سید شهاب‌الدین موسوی زاده^۲

چکیده

این نوشتار به بررسی حدود حریم خصوصی مقامات عمومی پرداخته است. پرسش مطرح شده این است که آیا ممکن است پاسداری از حریم خصوصی مقامات عمومی موجب محدودیت حق بر دانستن و آزادی بیان شود؟ این مقاله یک بررسی نظری و پیامدگرایانه است که به یاری برخی مواد قانونی، آموزه‌های حقوقی و پرونده‌های مرتبط در این زمینه، انجام شده است. مفروض نویسندگان مقاله آن است که حق بر دانستن، بر حق حریم خصوصی اولویت دارد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نظام حقوق موضوعه در کشور ما گاهی قائل به پذیرش حریم خصوصی برای مقامات عمومی نشده است و با استفاده از ابزار وحدت ملاک می‌توان آن را به حوزه‌های دیگر تسری داد. به لحاظ نظری نیز حق بر دانستن، از آنجایی که مقدمه آزادی بیان و عملی شدن مردم‌سالاری است، بر حریم خصوصی اولویت دارد. همچنین در این پژوهش، فرایند سه‌گانه‌ی ارائه می‌شود تا ضمن تأمین این اهداف، به قاضی امکان دهد تا در صورت طرح شکایت از سوی مقامات عمومی، به این پرسش پاسخ دهد که افشاگری موردنظر در راستای منفعت عمومی است یا نوعی کنجکاوی غیرمرتبط با حسن انجام امور عمومی به‌شمار می‌آید. همچنین قاضی می‌تواند با استفاده از ابزار دستور موقت، نهایت احتیاط را برای حفظ حقوق مدعی نقض حریم خصوصی تا بررسی نفع عمومی به‌کار برد.

واژگان کلیدی: آزادی بیان، حریم خصوصی، حق بر دانستن، مردم‌سالاری، مقامات عمومی.

مقدمه

دولت به‌عنوان یگانه نهادی که به‌طور قانونی مجوز اعمال زور را دارد، متشکل از تعدادی کارگزار با نام «مقامات عمومی» است. یکی از دغدغه‌های حقوق‌دندان پیشگیری از سوءاستفاده این اشخاص از اختیارات خود است. جدای از اتکای همیشگی دولت به نیروی نظامی و مالی در کنترل جامعه، فناوری اطلاعات به دولت این امکان را داده تا تمام حرکات را زیر ذره‌بین بگیرد و این به معنای اقتدار دوچندان برای مقامات عمومی است.

کشوری را تصور کنید که ۲۶ میلیون نفر جمعیت دارد و حکومت این کشور ۲۲۲۰ پایگاه داده در اختیار دارد که به‌طور میانگین حاوی ۲۰ پرونده درباره هر شهروند است. اسامی ۱۰ درصد از جمعیت در رایانه مرکزی پلیس موجود است. شاید تصور شود حکومت این کشور باید دیکتاتوری باشد، اما واقعیت آن است که اوصاف یادشده مربوط به کشور کانادا است^۱ (Lyon, 1994, Web Page). این آمار شاید به معنای زیر سؤال رفتن مفهوم حریم خصوصی باشد، آن هم در دوره‌ای که عموماً حداقل صلاحیتها برای دولت در نظر گرفته شده است^۲. طبیعی است که مردم عادی در چنین حالتی در مقابل دولت منفعل و تابع می‌شوند، زیرا هیچ ابزار متقابلی برای متعادل کردن اقتدار دولت ندارند.

امروزه دولت‌ها از شهروندان مالیات دریافت، و با وضع قوانین و مقررات گوناگون و به بهانه مبارزه با فساد و تروریسم، حدود آزادی‌های فردی را تنگ می‌کنند، اما در مقابل، حق شهروندان برای اطلاع از زوایای پنهان زندگی مقامات عمومی موضوع مباحث حقوقی قرار می‌گیرد و این درحالی است که برای کنترل قدرت سیاسی، ضرورت نظارت متقابل شهروندان بیش از همیشه احساس می‌شود. به‌ویژه آنکه با رشد تفکر مردم‌سالاری و لزوم مبارزه با ورود پول‌های کثیف^۳ در مبارزات انتخاباتی و نظام اداری، شفافیت عملکرد و

1. Lyon, david, the electronic eye: the rise of sureveillance society, Cambridge: polity,1994, Available in: <http://en.bookfi.org/book/1266413>

۲. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک. راسخ، محمد، «مدرنیته و حقوق دینی»، حق و مصلحت (مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش) ۱۳۹۲: تهران، نی، و نیز

See: Weatherill, Stephen, The Cchallenge of Bbetter Rregulation , in Better Regulation, Edited by Stephen Weatherill, Portland, US, Hart Publishing, 2007.

۳. پول‌های به‌دست آمده از راه فعالیت‌های غیرقانونی، مانند قاچاق مواد مخدر، که باندهای خلاف‌کار به نامزدهای انتخاباتی یا مقامات عمومی می‌دهند تا حافظ منافع آنها باشند.

پاسخگویی مقامات عمومی، به عنوان رکن اساسی لارۀ کرامت امور جامعه به شمار می آید و وجود هرگونه بستر برای سوءاستفاده از قدرت، به این امر مهم ضربه جدی وارد می کند. باتوجه به این مسئله، پرسش مهمی که پیش می آید، این است که آیا حریم خصوصی مقامات عمومی در حد حریم خصوصی دیگر شهروندان است؟ آیا در این زمینه پاسداری از حق حریم خصوصی می تواند موجب محدودیت آزادی بیان شود؟ رویکرد این تحقیق، تحلیل نظری، هنجاری و نیز پیامدگرایانه، با استفاده از منابع کتابخانه ای است. در ضمن پرونده های مطرح شده در داخل و خارج کشور را برای عینی شدن مسئله مثال خواهیم زد. بنابراین، نخست با تبیین مفهوم حریم خصوصی و نظریۀ رقیب آن، یعنی حق بر دانستن، سعی در باز کردن گره ایجادشده در هنگام رویارویی این دو حق خواهیم داشت، و نیز پیامدهای عملی شناختن حریم خصوصی یکسان را برای مقامات عمومی و افراد عادی بررسی خواهیم کرد. در این نوشتار، تلاش بر این است تا یکسره قائل به یکسانی حریم خصوصی مقامات عمومی و شهروندان عادی شود یا برعکس، هرگونه حریم خصوصی برای این مقامات رد نشود.

۱. مفهوم حریم خصوصی و حق بر دانستن

حق بر دانستن^۱ و نیز حق بر حریم خصوصی^۲ از چالش برانگیزترین مقوله ها در مباحث حقوقی است. امروزه فناوری های نوین، دسترسی به اطلاعات را هم برای دولت ها و هم برای شهروندان در سطح بالایی قرار داده است. بسیاری از دولت ها به دلیل پیشرفت های حیرت انگیز پذیرفته اند که شهروندان حقی ذاتی بر دانستن دارند و به پشتوانۀ آن می توانند اطلاعات لازم در خصوص لایه های پنهان اداره امور عمومی را به دست آورند. این حق نشانگر تأثیر فناوری بر گسترش دامنۀ حق هاست. اما حق رقیبی هم به نام حق بر حریم خصوصی وجود دارد و نظریه پردازان به درستی نگران نقض آن اند. باتوجه به پیشرفت های کنونی که در عمل نمی توان خلوت افراد را مصون از تعرض دانست، این پرسش مطرح می شود که گره رویارویی این دو حق چگونه گشوده می شود؟

1 . Right To Know

2 . Right To Privacy

۱.۱. خاستگاه نظری مسئله حدود حریم خصوصی

ترجیح هر یک از حق بر دانستن و حریم خصوصی، مستلزم شناخت دقیق این مفاهیم است.

از یک سو باید گفت که حق بر حریم خصوصی یکی از مصادیق مهم حقوق شهروندی است. در زبان فارسی، حریم خصوصی در معانی گوناگونی به کار رفته است: حریم به معنای بازداشت کرده، حرام و حمایت شده (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۸۹۰۴) و نیز مکانی که حمایت و دفاع از آن واجب باشد (معین، ۱۳۸۲، ص ۹۷۳)، و خصوصی نیز در اینجا در مقابل عمومی به کار رفته و عمومی به معنای چیزی است که همگانی باشد (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۶۳۷۶).

در زبان انگلیسی Privacy معادل واژه خلوت و حوزه خصوصی است که به معنای موقعیت تنها بودن و آزادی از مداخله یا کنترل دیگران به کار رفته است و در فرهنگ‌های حقوقی نیز به معنای حق به حال خود رها شدن و بدون مزاحم ماندن، آمده است (Blacks Law dictionary, 1993, p.1195). در آموزه‌های حیات‌بخش دین مبین اسلام حریم خصوصی مهم شمرده شده است و از جمله می‌توان دستور صریح قرآن کریم در آیه ۴۹ سوره حجرات را مبنی بر نهی افراد از تجسس در امور دیگران، در این راستا دانست.^۱ نخستین بار ساموئل دی. وارن و لوییس دی. برن‌دیس در نشریه دانشکده حقوق هاروارد حق بر داشتن چنین مصونیتی در حقوق مدرن را به‌عنوان سپری در مقابل کنجکاوی‌های بی‌مورد مطبوعات مطرح کردند (Warren & Brandeis, 1890).^۲

البته حقوق‌دانان بر دشوار بودن ارائه تعریفی از حریم خصوصی اذعان کرده‌اند. شاید یکی از مهم‌ترین علل آن، وابستگی این مفهوم به زمان و مکان و موقعیت اشخاص باشد. با وجود این، تعریفی از حریم خصوصی ارائه شده است: حریم خصوصی در واقع حق بر آن است که اطلاعات شخصی و محرمانه اظهار شده در یک مکان خصوصی برای دیگران افشا نشود، مشروط بر اینکه افشای آن موجب سرافکنندگی و جریحه‌دار شدن احساسات یک انسان

۱. «ولا تجسسوا...»

2. Available in: <http://faculty.uml.edu/sgallagher/Brandeisprivacy.htm>

تاریخ مراجعه: ۱۳۹۴/۰۴/۱۳

عادی شود (Standler, Web Page).^۱ تأکید این تعریف بر ارائه اطلاعات در یک مکان خصوصی و نیز جریحه دار شدن احساسات فرد مورد نظر در صورت افشای اطلاعات است. در تعریف دیگر، حریم خصوصی به معنای محرمانه تلقی شدن خصوصیات شخص یا مال وی از انظار عمومی آمده است (هارلو، ۱۳۸۳، ص ۱۶۳). مشخص است که در این تعریف، تأکید اصلی بر مخفی ماندن اطلاعات مربوط به زندگی شخصی، مانند تعداد فرزندان، رفت و آمدها و میزان دارایی است.

در یک تعریف دیگر، حریم خصوصی به منزله حوزه‌ای حفاظت شده برای مردم آمده است که در آن می‌توان از موشکافی و نکوهش در خصوص امور شخصی رها بود (نیس بام، ۱۳۸۱، ص ۱۹۹^{۱۹۸}). به نظر می‌رسد این تعریف بیشتر به رعایت حرمت خانه و محل کار افراد نظر دارد.

در ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر، زندگی خصوصی، امور خانوادگی، خانه و مکاتبات شخصی از مصادیق حریم خصوصی به‌شمار آمده است. حق بر حریم، بیش از آنکه جنبه ایجابی داشته و نیازمند اختیاری برای دیگران باشد، جنبه سلبی دارد؛ یعنی مقتضی منع دیگران از مداخله و مزاحمت در حیطه زندگی خصوصی افراد است (توسلی جهرمی، ۱۳۸۵، ص ۸۵).

شماره ۵ از بند ۲ اعلامیه کنفرانس حقوق دانان درباره حق حریم خصوصی در نروژ، بی‌آنکه به تعریف حریم خصوصی بپردازد، افشای وقایع نامربوط و آزاردهنده درباره زندگی خصوصی را از مصادیق نقض حریم خصوصی می‌داند. تبیین واژگان وقایع نامربوط و آزاردهنده می‌توانست به تعیین حد حریم خصوصی کمک شایانی بکند.

از این تعریف‌ها می‌توان دریافت که از مهم‌ترین ویژگی‌های حریم خصوصی، نسبی بودن آن است. با نگاهی به پیرامون خود و موقعیت‌های گوناگون درمی‌یابیم که حریم خصوصی مفهومی سیال دارد. این مسئله نه به معنای خدشه دار کردن این حق، بلکه پذیرش واقعیتی اجتماعی است. برای نمونه اگر در جامعه‌ای به بلوغ رسیدن پسران و دختران به دلایل گوناگون در مسائلی همچون جدا کردن بسترها از هم، استفاده از کودکان به‌عنوان

1. Standler, Ronald B. **Privacy law in USA**. In: <http://www.rbs2.com>.

نیروی کار و غیره تأثیرگذار باشد، به همان اندازه سرپرستان در قبال کشف این اتفاق کنجکاوی می‌کنند و آن را حریم خصوصی فرزند خود به‌شمار نمی‌آورند. اما در جامعه‌ای که چنین مسائلی مهم نباشد، واکاوی آن اهمیت ندارد و حریم خصوصی فرزندان شمرده می‌شود. وقتی شهروندان نسبت نزدیکی میان سوابق اجتماعی و اخلاقی مقامات عمومی و حسن انجام وظایف سیاسی^۵ اداری قائل باشند، به همان میزان حساسیت مشارکت‌کنندگان سیاسی برای شناخت دقیق گذشته و حال این افراد بالاتر است از جامعه‌ای که مردمان آن یا بی‌تفاوت‌اند و یا اینکه به هر دلیلی نیاز به چنین امری را احساس نمی‌کنند.

به‌طور کلی، حریم خصوصی از نظر برداشت عملی، امری ذهنی و شخصی است که عوامل فرهنگی، تربیتی، اوضاع و احوال و مقطع تاریخی بر آن تأثیرگذار است. لذا کشف، تلقی و برداشت افراد برای تعیین حریم خصوصی اهمیت دارد (Sills, 1972, p.480). شایان ذکر است، پژوهش‌های قابل‌توجهی در کشورهای گوناگون انجام گرفته است که به روشنی تفاوت نگرش و میزان حساسیت مردم را در آنجا نسبت به حد و مرز حریم خصوصی نشان می‌دهد (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۲۳-۲۰). نکته دارای اهمیت آن است که پذیرش نسبی حریم خصوصی از سوی قاضی در هنگام ادعای نقض آن، این امکان را فراهم می‌سازد که با ارزیابی موقعیت زمانی، مکانی و جایگاه اجتماعی شاکی اقدام به صدور رأی کند.

باتوجه به این نکته، باید به شاخص‌های مؤثر در خصوص نسبت مفهوم حریم خصوصی توجه شود (محسنی، ۱۳۸۹، ص ۶۳-۳۴؛ انصاری، پیشین، ص ۲۴-۲۳). این شاخص‌ها به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: الف) عوامل مرتبط با وضعیت؛ مانند مکان، موضوع، نوع استفاده از اطلاعات و وسایل و روش‌های کاربردی.

ب) عوامل مربوط به شخصی که حریم خصوصی‌اش نقض شده است؛ مانند موقعیت اجتماعی شخص یا رضایت وی در خصوص نقض‌کننده.

به‌طور کلی این شاخص‌ها به دنبال بیان این نظرنند که حریم خصوصی مفهومی سیال، بدون حد مشخص و یکسان برای همگان است.

با عنایت به مطالب پیشین، می‌توان اظهار داشت که حریم خصوصی متشکل از سه رکن اصلی محرمانگی، گمنامی و تنهایی است (Banisar, 2000, p.2). هریک از این سه رکن

به مفهومی خاص اشاره دارند و حوزه‌های گوناگون حریم خصوصی را مشخص می‌کنند. بر این اساس، می‌توان محرمانگی را در خصوص اسناد و اطلاعات شخصی افراد، از جمله پرونده‌های پزشکی دانست که از آن با عنوان حریم اطلاعات یاد می‌شود؛ در حالی که گمنامی بیشتر در حوزه ارتباطات معنا پیدا می‌کند. گمنامی حق اشخاص در امنیت، و محرمانه باقی ماندن محتوای کلیه اشکال مراسلات و مخابرات متعلق به ایشان است. تنهایی نیز به مصون ماندن افراد از تعرض و تجاوز به منزل و تمام مکان‌های سرپوشیده یا محصور متعلق به ایشان اشاره دارد.^۱

اما از دیگر سو، حق بر دانستن نیز از جمله مهم‌ترین حقوق شهروندی به‌شمار می‌آید. تاکنون از این حق با عنوان‌های متفاوتی یاد شده است: آزادی اطلاعات، آزادی دسترسی به اطلاعات، و نیز شفافیت اداری. بر اساس این حق، شهروندان باید حق دسترسی آزاد و سریع به اطلاعات را داشته باشند.

چهار عنصر اصلی را می‌توان برای حق بر دانستن قائل شد: دسترسی آزاد به محل رویدادها، جریان آزاد اطلاعات، انتشار آزلنه اطلاعات، و آزادی دریافت.

خاستگاه اصطلاح آزادی اطلاعات، ایالات متحده امریکاست و هدف از ایجاد آن، تأکید بر نظریه دولت خدمتگزار فرد و تعدیل فشارهای پیاپی بر حقوق اساسی و ذاتی شهروندان از راه در دسترس بودن اطلاعات دولتی بر مبنای حق مردم بر دانستن درباره اعمال حکومت و در نتیجه پاسخگو کردن دولت بوده است (محسنی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۰-۲۲۹؛ انصاری، ۱۳۸۹، ص ۷۷؛ 2013, p.5, committee on open government).

نظریه‌پردازان فوایدی را برای حق بر دانستن، از جمله تقویت مشارکت و مردم‌سالاری، برشمرده‌اند. مردم‌سالاری بر رضایت شهروندان استوار است و این رضایت موکول به اطلاع شهروندان از فعالیت‌های حکومت و مقامات عمومی است.

بهبود فرایندهای تصمیم‌گیری هم از دیگر نتایج حق بر دانستن است. برای مبارزه با فساد،

۱. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک. نمک‌دوست تهرانی، حسین، «اخلاق حرفه‌ای، حریم خصوصی و حق دسترسی به اطلاعات»، نشریه رسانه، ۱۳۸۵، ش ۶۶، ص ۲۰۱.

به‌کارگیری روش‌هایی مانند برگزاری جلسات استماع عمومی با ذی‌نفعان پیش از انجام طرح‌های دولتی، و الزام به انتشار دلایل اعطای قراردادها مؤثرتر خواهد بود. حمایت از دیگر حق‌ها نیز از فواید این حق دانسته شده است (Banisar, 2006, p.74° 77) که در مورد اخیر به‌نظر می‌رسد دسترسی شهروندان به اطلاعات مرتبط با حسن انجام وظایف یک مقام عمومی امکان دارد در خدمت حق مهم دیگری به نام مشارکت فعالانه سیاسی باشد. منظور از مشارکت فعالانه سیاسی، ارتقای دموکراسی از راه آزادی بیان است. «در نظام دموکراتیک، شهروندان حق دارند از بین گزینه‌های متعدد، اعم از افراد و برنامه‌ها، گزینه مطلوب خود را برگزینند. طبیعی است برای انتخاب گزینه مطلوب شهروندان باید اطلاعات کافی در مورد این گزینه‌ها داشته باشند، تا بتوانند دست به انتخاب مطلوب خود بزنند» (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۷). در این حالت، حق بر دانستن، لازمه آزادی بیان و آزادی بیان لازمه اعمال و تحقق دموکراسی در عالم واقعیت است.^۱

حق بر دانستن بر اصولی استوار است که از این قرارند (Mendel, 1999, p.8° 11):

- حداکثر میزان دسترسی به اطلاعات، یعنی شهروندان باید حق دسترسی به تمام اطلاعاتی را که نهادهای عمومی از آن نگهداری می‌کنند، داشته باشند و ارائه ندادن اطلاعات به شهروندان باید در حالت استثنا باشد.
- الزام به انتشار. شهروندان مجاز به دسترسی به اطلاعات موردنیاز خود هستند و مقامات عمومی موظفاند اطلاعات تأثیرگذار بر مردم را منتشر کنند.
- ارتقای دولت باز^۲. دولت باید در شفاف‌سازی اقدامات خود پیش‌قدم شود و به مردم چگونگی حق دسترسی به اطلاعات حکومتی را نشان دهد.
- محدودیت‌های اندک برای ارائه ندادن اطلاعات. اصل، حق مردم بر دانستن است. جلوگیری از این حق باید بر اساس اصول منطقی توجیه شود.
- دسترسی به اطلاعات باید تسهیل شده و زمان‌مند باشد.

۱. در خصوص آزادی بیان ر.ک.

Kanovitz, Jacqueline R., Constitutional Law, 12th Edition, Lexis Nexis, USA, 2010: 41 - 87

2. Open Government

- دسترسی به اطلاعات نباید پرهزینه باشد.
- برگزاری نشست‌های علنی، مفروض است که مردم حق بر دانستن و نیز مشارکت در همه آن چیزهایی را که مقامات عمومی درباره آنها تصمیم می‌گیرند، دارند.
- افشای اطلاعات شامل گذشته هم می‌شود. بنابراین قوانینی که جلوی حداکثر افشاگری را می‌گیرند، باید تاجایی که ممکن است همسان با اصل حق بر دانستن تفسیر، و در غیر این صورت اصلاح شوند.
- حمایت از افشاگران رویدادها، باید افرادی که اطلاعات یا عمل خلافی را درباره یک مقام عمومی افشا می‌کنند، البته در صورت صادق بودن و ارائه دلیل، حمایت شوند. عمل خلاف یک مقام عمومی که شهروندی آن را افشا کرده، گستره وسیعی از فساد اخلاقی تا اتهامات اداری و غیره را دربر می‌گیرد. محک این افشاگری نفع عمومی است؛ اگر نفع عمومی بر نقض حقوق متزاحم با این افشا، بر فرض حق بر حریم خصوصی، برتری داشت، ارتکاب چنین عملی پسندیده است. باید توجه داشت که افشاگری اطلاعات هنگامی صورت می‌گیرد که خطری جدی برای نمونه، علیه سلامت عمومی یا از بین بردن مدارک و اسناد مرتبط با عمل خلاف وجود داشته باشد.

روشن است که در جامعه، حقوق مختلفی از جمله حق بر حریم خصوصی و حق بر دانستن، با هم در تزاخم است. بنابراین، ترجیح هریک از این دو بر دیگری، نیازمند دلیل محکمی است. به نظر می‌رسد در چنین مواقعی یکی از بهترین روش‌ها، رعایت قاعده «الآهم فالآهم» است: «یعنی باید اجرای اصلی را مقدم داشت که از دیگری مهم‌تر است. اما عوامل فراوان باید فراهم آید تا معلوم شود کدام یک از اصول، از دیگری مهم‌تر است» (جعفری تبار، ۱۳۹۰، ص ۱۷۳). از سویی، حریم خصوصی حرمت خاصی دارد که به هر بهانه‌ای نمی‌توان آن را نقض کرد. درحالی که امروزه دیده می‌شود که با گسترش وسایل ارتباط جمعی، حرمت حریم خصوصی با تهدید جدی روبرو شده است. اما از سوی دیگر در دنیای امروز بسیاری از حقوق، مانند حق مهم تعیین سرنوشت سیاسی، آزادی بیان و نیز مسئله پاسداری از منافع عمومی کشور، نیاز به مقدماتی دارد که از جمله این مقدمات، به رسمیت شناخته شدن حق بر دانستن است که به عنوان لازمه موارد پیش گفته مطرح می‌شود و نیز در پیوند با مفهوم جریان

آزاد اطلاعات است. در همین راستا، امروزه «حق جامعه برای مطلع شدن از مسائل بهداشتی، امنیتی، نظارت بر مسئولان سیاسی، از مصادیق بارز آزادی اطلاعات و تضمین‌های لازم برای کارکرد درست آن است» (محسنی، همان، ص ۲۳۱). اما پرسشی که که پیش می‌آید، این است که در تزامن میان حق بر دانستن و حق بر حریم خصوصی، اولویت با کدام است؟

۲.۱. ملاک‌های اولویت‌بندی حفظ حریم خصوصی یا نقض آن در نظام حقوق موضوعه

دغدغه‌ای که همیشه وجود داشته، رویارویی حق بر دانستن و حق بر حریم خصوصی است. اما نکته مهم آن است که در تمام این موارد، بیشترین نگرانی در خصوص نقض توجیه‌ناپذیر حریم خصوصی بوده است (committee on open government, op.cit,) (p.5)، نه هرگونه نقضی. به عبارتی، رعایت نکردن هریک از آنها به ملاک و معیار نیازمند است. رجوع به قوانین موجود یکی از راه‌های استخراج ملاک است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- اطلاعات شخصی. به لحاظ تقدم ابتدایی، اطلاعات شخصی افراد باید محرمانه تلقی شود. در ماده ۱۴ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات (مصوب ۱۳۸۸/۰۵/۳۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام)، اطلاعات شخصی افراد از شمول حق بر دانستن خارج شده است. گرچه اجازه دسترسی به اطلاعات شخصی تحت شرایطی به ولی، قیم یا وکیل شخص و نیز مؤسسات عمومی در زمینه وظایف خود، داده شده است.

۱. در همین زمینه می‌توان به حساسیت شهروندان و رسانه‌های همگانی نسبت به اعمال محرمانه مقامات عمومی در خصوص مسائل اخلاقی رؤسای جمهور آمریکا (بیل کلینتون) و فرانسه (فرانسوا اولاند) و نیز رئیس وقت سازمان جاسوسی آمریکا (دیوید پترائوس) اشاره کرد که در آمریکا موجب محاکمه رئیس جمهور و نیز استعفای رئیس سازمان سیا و در فرانسه موجب کاهش شدید محبوبیت آقای اولاند شد. رک.

<http://www.washingtonpost.com/wpsrv/politics/special/clinton/stories/clinton012198.htm>

تاریخ مراجعه: ۱۳۹۳/۰۷/۱۰

<http://presstv.ir/Detail/Fa/2015/03/04/400155/ExCIA-chief-admits-gave-classified-mistress>

تاریخ مراجعه: ۱۳۹۴/۰۴/۱۵

تاریخ مراجعه: ۱۳۹۴/۰۴/۱۵ <http://fa.alalam.ir/news/1563256>

برابر ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم- تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ش)، مقامات اداری در خصوص اطلاعات شخصی افراد، طبق مواد ۱۵۰ و ۱۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲ش) فقط با شرایط خاصی مکلف به ارائه اطلاعات یا مستندات مورد نیاز مقام قضایی هستند. بنابراین ملاحظه می‌شود که در قوانین موضوعه، حراست از اطلاعات شخصی، مقدم بر حق بر دانستن فرض شده است.

اما نگاه دقیق به قوانین نشانگر این است که اطلاعات شخصی، همیشه و در همه حال حریم خصوصی تلقی نمی‌شوند و این مسئله کاملاً نسبی است. برای نمونه، مقوله آزادی در انتخاب همسر از مصادیق استقلال فردی و بخشی از حریم خصوصی شمرده می‌شود (هافبرگ، ۲۰۰۳، ص ۳۱ به نقل از توسلی چهارمی، پیشین، ص ۹۲)، اما دقت در برخی مواد قانونی نشان می‌دهد که گاهی جنبه‌های کاملاً خصوصی ازدواج نیز بنا به مصلحت‌هایی جزء حریم خصوصی به‌شمار نمی‌آیند. از جمله در ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی آمده است: «ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موقوف به اجازه مخصوص از طرف دولت است». حقوق‌دانان به جنبه سیاسی این الزام و رعایت مصلحت دولت در کنار حمایت از حقوق زن ایرانی پرداخته‌اند.^۱ گرچه موضوع این ماده، شرایط برخورداری از حق ازدواج در یک موقعیت خاص است، اما دقت در مقتضیات ازدواج زن ایرانی با مرد بیگانه که در «آیین‌نامه زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانه غیرایرانی» (اولین تصویب در ۱۳۱۹ش و تصویب بعدی در ۱۳۴۵ش از سوی هیئت وزیران)، نشان می‌دهد که شرط این برخورداری، ورود دولت به جنبه‌هایی از ازدواج است که حریم خصوصی تلقی می‌شوند، برای نمونه اعتقادات مذهبی، اشتغال یا عدم اشتغال و مجرد یا متأهل بودن از جمله مواردی است که بخشی از حریم خصوصی افراد به‌شمار می‌آید. درحالی که طبق مواد آیین‌نامه یادشده، مدارک مربوط به تشرف مرد خارجی به دین مبین اسلام، گواهی اشتغال او، و حتی گواهینامه‌ای مبنی بر مجرد یا متأهل بودن مرد، باید تقدیم مقامات وزارت کشور یا مأموران کنسولی ایران شود تا پروانه زناشویی صادر گردد. پس درحالی که ازدواج صرفاً یک مسئله

۱. ر.ک. صفایی، سید حسین و امامی، اسداله (۱۳۸۲)، حقوق خانواده، جلد ۱، چاپ نهم، تهران، دانشگاه تهران، ص ۹۰.

حقوقی نیست و با عمیق‌ترین احساسات عاطفی بشر درآمیخته، برخی مصالح موجب شده است تا قانون‌گذار اجازه ورود به حریم خصوصی افراد را بدهد.

گفتنی است، این مواد که مصداق بارز نقض حریم خصوصی‌اند، جنبه سیاسی دارد و برای جلوگیری از زیان‌هایی که ممکن است به کشور تحمیل شود، وضع شده‌اند. جستجو در متن قوانین، موارد دیگری از این دست را نیز به ما نشان می‌دهد. برای نمونه، طبق ماده ۱۲۲۵ قانون مدنی، مدعی‌العموم موظف است حجر افرادی را که ممکن است طرف معاملات بالنسبه عمده واقع شوند، اعلام کند و نیز بر اساس ماده ۱۲۲۶ همین قانون، نام اشخاصی که پس از کبر و رشد به علت جنون یا سفه محجور می‌شوند، باید در دفتر مخصوصی ثبت شود که مراجعه به این دفتر برای عموم آزاد است. مشاهده می‌شود که در این دو زمینه نیز حق بر حریم خصوصی به صورت موجه نقض می‌شود، زیرا اعلام حجر افراد که گاهی به دلیل بروز بیماری‌های روحی^۵ روانی اتفاق می‌افتد، ورود به عرصه اطلاعات خصوصی افراد است. بنابراین، قوانین موجود اطلاعات شخصی را که بخشی از حریم خصوصی افراد است، به‌طور مطلق مصون از واکاوی ندانسته و در مواردی اجازه نقض آن را به حکومت داده‌اند.

- علنی بودن محاکمه‌ها. یکی از حقوق افراد طرح دعاوی است که در قوانین اساسی به رسمیت شناخته شده است. به دلایل گوناگون، از جمله مطرح شدن اطلاعات شخصی، معمولاً افراد نمی‌خواهند که دیگران از این قبیل موضوعات آگاه شوند. با وجود این، در قوانین جدید، از جمله بر اساس اصل ۱۶۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل بر علنی بودن محاکمات قرار گرفته است، به جز در اموری که مخل امنیت یا عفت عمومی باشد یا اینکه طرفین در دعاوی خصوصی، درخواست غیرعلنی بودن دادگاه را داشته باشند. در ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲ش)، امور خانوادگی نیز به استثنای برگزاری علنی محاکمه‌ها افزوده شده است. این قوانین درواقع به این مطلب اشاره دارند که «پس از طرح پرونده در دادگاه، اصل بر این است که جامعه دارای حق دانستن و مطلع شدن از موضوع می‌باشد. این امر نه تنها برای جامعه مفید است، بلکه از سوی دیگر می‌تواند برای

اصحاب دعوا و یا متهم نیز مفید باشد. زیرا از این طریق به نحوی نظارت اجتماعی بر عملکرد محاکم صورت می‌پذیرد تا دادگاه از مسیر عدالت خارج نگردد و نیز موجب می‌گردد تا با افراط و تفریط محکمه، حقوق اشخاص تضییع نگردد» (محسنی، همان، ص ۲۴۳)؛ بنابراین در امر محاکمات، اصل بر علنی بودن و اولویت حق بر دانستن است.

- حرمت منزل. یکی از مصادیق مهم حریم خصوصی، منزل افراد است. هتک حرمت منزل می‌تواند زمینه‌ساز دسترسی به اطلاعات اشخاص باشد. قانون‌گذار در ماده ۱۳۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ش مقرر می‌دارد: «چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص مزاحمت نماید، در صورتی مجاز است که از حقوق آنها مهم‌تر باشد». پیش از آن نیز در ماده ۱۳۷ قانون پیش‌گفته آمده بود: «تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیا در مواردی به‌عمل می‌آید که حسب دلایل، ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم، در آن محل وجود داشته باشد». ملاحظه می‌شود که قانون‌گذار دو شرط مهم برای نقض حریم منزل افراد مقرر داشته است: یکی مهم‌تر بودن تفتیش منزل بر حق افراد، و دیگری وجود ضرورت برخاسته از ظن قوی. البته شایسته بود قانون‌گذار با تعیین معیار عینی برای این امر، از دادن صلاحیت تشخیصی مطلق به مقام قضایی خودداری می‌کرد.
- امور مربوط به بهداشت عمومی و نظایر آن. بی‌شک ابتلای افراد به بیماری یکی از امور شخصی شمرده می‌شود. اما گاهی قانون‌گذار به دلیل اهمیت موضوع و پیشگیری از به‌خطر افتادن سلامت دیگران، سازوکارهایی برای اطلاع در خصوص ابتلای افراد به برخی بیماری‌ها در نظر گرفته است. بر اساس مواد ۲ و ۳ آیین‌نامه طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و واگیردار مصوب ۱۳۲۵ ش، پزشکان موظفاند در موارد خودداری شخص مبتلا از پیگیری و درمان، موضوع را به لایحه بهداشتی اعلام کنند. این مورد مصداق مهمی از نقض موجه حریم خصوصی افراد به‌شمار می‌آید.
- موقعیت سیاسی اشخاص. در این زمینه که موضوع اصلی پژوهش ماست، در ادامه بیشتر بحث خواهد شد. اما به لحاظ قانونی همین‌قدر اشاره می‌شود که اصل ۱۴۲

قانون اساسی و نیز قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان دولت، از جمله کشوری و لشکری و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها مصوب ۱۳۳۷ش، در این زمینه دارای اهمیت است. با وجودی که یکی از مصادیق حریم خصوصی، میزان دارایی و چگونگی تحصیل مال است، قانون‌گذار با فرض این مهم که دارایی مقامات عمومی ممکن است با سوءاستفاده از قدرت، افزایش یابد، حق بر دانستن را بر حریم خصوصی برتری داده است. بی‌تردید، این اولویت به دلیل حساسیت منصب موردنظر و احتمال سوءاستفاده از اختیارات است. تصویب کلیات طرح رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران در مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۹۳ش) نیز در راستای همین دغدغه به‌شمار می‌آید. طبق بندهای نوزده‌گانه ماده ۱ این طرح، مقامات و مسئولان، شامل رهبر، رؤسای قوا تا نمایندگان دولت در مجامع و نهادها، موظفاند در اجرای این قانون، صورت دارایی خود، همسر و فرزندان خود را پیش و پس از هر دوره خدمتی به رئیس قوه قضائیه اعلام کنند. همچنین بر اساس ماده ۳ این طرح: «رئیس قوه قضائیه و سایر مقاماتی که از سوی مقام معظم رهبری منصوب می‌شوند به استثنای ائمه جمعه با اذن مقام معظم رهبری موظفاند دارایی خود، همسر و فرزندان خود را قبل و بعد از خدمت به مرجعی که معظم‌له تعیین می‌کند، اعلام نمایند». بر اساس این مطالب، می‌توان گفت در نظام حقوق موضوعه، بسته به موضوع و موقعیت مسئله، حفظ حریم خصوصی یا نقض آن مدنظر قانون‌گذار بوده و پاسداری از این حریم امری همیشگی و همه‌جایی به‌شمار نیامده است.

۲. مقامات عمومی و حریم خصوصی

یکی از ملاک‌های تعیین حدود حریم خصوصی، موقعیت اجتماعی اشخاص است. این مسئله فقط درباره مقامات عمومی صدق نمی‌کند، بلکه افرادی که چهره عمومی تلقی می‌شوند، مانند ستارگان هنر و ورزش، با قرار دادن خود در معرض نگاه دیگران، درواقع از حریم خصوصی خود چشم پوشیدلند. البته برخی از مقامات عمومی از حیث شهرت تاحدی شبیه به چهره‌های عمومی هستند، اما به‌نظر می‌رسد برای تبیین حدود حریم خصوصی این اشخاص، نمی‌توان به شباهت آنها به چهره‌های عمومی اکتفا کرد. بنابراین، نخست در یک

تبیین نظری به مفهوم مقامات عمومی خواهیم پرداخت و نظریه‌های موجود دربارهٔ حریم خصوصی این اشخاص را توضیح خواهیم داد، سپس به چگونگی حل مشکل رویارویی آن با حق بر دانستن می‌پردازیم.

۱.۲. رویکرد نظری

تبیین مفهوم مقام عمومی وابسته به اصطلاح امر عمومی است. برای خدمت یا امر عمومی این تعریف آمده است: «فعالیتی را گویند که متضمن رفع نیازها و تأمین منافع عمومی است و لایحه آن از روابط آزاد و ابتکار خصوصی خارج شده و به‌گونه‌ای در اختیار و تصدی دولت قرار گرفته باشد» (طباطبایی مومنی، ۱۳۹۰، ص ۲۶۵). در ماده ۷۱ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ش نیز به صورت مصدق، مقامات سیاسی کشور که بخشی از مقامات عمومی شمرده می‌شوند، عبارت‌اند از: رؤسای سه قوه، معاون اول رئیس‌جمهور، نایب‌رئیسان مجلس شورای اسلامی، اعضای شورای نگهبان، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، معاونان رئیس‌جمهور، استانداران، سفیران و معاونان وزراء. نکته‌ای که شایسته است به آن اشاره شود، مقامات غیرسیاسی‌اند که متصدی امور عمومی شمرده می‌شوند. این افراد بیشتر شامل مقامات اداری هستند و برخلاف مقامات سیاسی که می‌توان به شیوهٔ فرایند پاسخگویی سیاسی آنها را کنترل کرد، تحت نظارت سیاسی مستقیم نمایندگان مجلس نیستند، بلکه وزیر مربوطه در خصوص اعمال و رفتار آنها باید پاسخگو باشد.

اهمیت این مقامات هنگامی پدیدار می‌شود که گاهی نامزدهای پست‌های سیاسی سیاست‌های مدونی ندارند و به این دلیل پس از رسیدن به قدرت باید به کارمندان اداره‌ها تکیه کنند و این کارمندان به‌راحتی می‌توانند به کمک تکنیک‌هایی همچون گزارش‌های ابتدایی جهت‌دار و اطلاعات کنترل‌شده، مقام سیاسی را تحت کنترل خود درآورند (زارعی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۲^{۱۳۸}).

با اینکه حوزهٔ عمل مقامات عمومی با یکدیگر تفاوت دارد، نمی‌توان منکر تأثیرگذاری عمیق آنها بر زندگی روزمرهٔ مردم شد، زیرا تأمین خدمات عمومی از سوی این اشخاص موجب مراجعهٔ مداوم شهروندان به آنها می‌شود. چه‌بسا این مقامات با استفاده از قدرت خود، خلاف

منافع عمومی عمل کنند؛ بنابراین به دلیل همین تأثیرگذاری‌هاست که حتی کوچک‌ترین اعمالشان زیر ذره‌بین رسانه‌ها و مردم قرار دارد.^۱ گاهی با همین واکاو‌های مردمی، تلاش کشورهای با دولت‌های بسته برای بی‌نقص نشان دادن رهبران خود افشا می‌شود.^۲ امروزه با طرح دیدگاه‌هایی چون مساوات در برابر هزینه‌های عمومی^۳، مقامات قضایی و رسانه‌ها رویارویی عملکرد این مقامات با منافع مردم را به‌دقت ارزیابی می‌کنند.

علت طرح بحثی جداگانه در زمینه حریم خصوصی مقامات عمومی و جدایی آن از مشمول بودن حریم خصوصی چهره‌های عمومی، دایره گسترده‌تر تأثیرگذاری این مقامات بر زندگی مردم است. این مطلب را می‌توان با آوردن مثالی پیامدگرایانه توضیح داد: کشف رابطه جنسی غیرقانونی یک ستاره سینما در نهایت موجب آزردن شدن هواداران این فرد و آگاهی آنها از نظر دقت در الگوبرداری از چهره‌های عمومی می‌شود؛ درحالی که کشف همین رابطه درباره یک فرمانده ارشد نظامی یا یک وزیر، به‌مثابه یک مقام عمومی، می‌تواند از به‌خطر افتادن کیان جامعه پیشگیری کند، زیرا در روابط این‌چنینی، همیشه احتمال گفتگو در خصوص مسائل حرفه‌ای دو طرف وجود دارد و در مورد اخیر، افشای اسرار نظامی و سیاسی ممکن است به متلاشی شدن جامعه سیاسی بینجامد.^۴

۱. توجه شود به شنود و افشای مکالمات خانم ویکتوریا نولاند، مقام عالی‌رتبه وزارت خارجه آمریکا، با سفیر این کشور در اکراین و افشای بددهنی خانم نولاند و کاربرد الفاظ توهین‌آمیز در خصوص اتحادیه اروپا و تأثیر آن بر ذهنیت مقامات و رسانه‌های کشورهای اروپایی نسبت به نگاه کشور آمریکا به اتحادیه اروپا. نک:

تاریخ آخرین مراجعه: ۱۳۹۳/۰۸/۰۱ <http://www.khabaronline.ir/detail/338017/weblog/norouzpour>

۲. برای مثال ویرایش عکس‌های رژه نظامی ارتش کره شمالی که ظاهراً چون کیم جونگ ایل، رهبر پیشین این کشور، به دلیل بیماری نتوانسته بود در آنها حضور یابد، بعدها با تکنیک‌های عکاسی به گونه‌ای تصویر او را به حاضران در مراسم افزوده‌اند تا خبرهای مبنی بر بیماری او بی‌اثر شود. نک:

<http://www.parsine.com/fa/news/11328/10%D8%B9%DA%A9%D8%B3-%D8>

تاریخ آخرین مراجعه: ۱۳۹۳/۰۸/۰۱

۳. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک. امامی، محمد و استوار سنگری، کورش، حقوق اداری، ج ۱، ۲، ۱۳۸۷، تهران، میزان، ص ۳۶۰ ° ۳۵۹.

۴. یک نمونه عینی از این مسئله، افشای رسانه‌های انگلستان در خصوص روابط جنسی جان پروفومو، وزیر دفاع کابینه محافظه‌کار آن کشور، با خانم کیلر، مدل انگلیسی، در سال ۱۹۶۳م بود. استدلال افشاگران در خصوص ورود به حریم خصوصی این فرد، استفاده‌هایی بود که از این رابطه به نفع سرویس‌های جاسوسی بیگانه می‌شد. ر.ک. صانعی، پرویز، حقوق و اجتماع، تهران، طرح نو، ۱۳۸۱، ص ۳۰۲.

در آثار مربوط به موضوع این پژوهش، نظریه مخصوصی برای تبیین حدود حریم خصوصی مقامات عمومی وجود ندارد، اما در خصوص نقض حریم خصوصی چهره‌های عمومی که در ویژگی شهرت با برخی از مقامات عمومی اشتراک دارند، به دو نظریه اشاره شده است: نظریهٔ اعراض^۱ و نظریهٔ ریاکاری^۲.

بر اساس نظریهٔ اعراض، این افراد با حضور در میان مردم و مورد توجه قرار گرفتن، از حریم خصوصی خود اعراض کرده‌اند.

همچنین بر مبنای نظریهٔ ریاکاری، افراد مشهوری که با کارهای خود به مردم دروغ می‌گویند یا به روش فریب‌کارانه‌ای حقایق مربوط به خود را از قلم می‌اندازند، پس از آشکار شدن حقیقت، حق اعتراض و شکایت ندارند^۳ (Hilden, Web Page)؛ چون پاسخ ریاکاری خود را می‌بینند.

هر دوی این نظریه‌ها محل اشکال‌اند. نخست آنکه این دو نظریه تا حد زیادی فقط به چهره‌های عمومی پرداخته‌اند؛ درحالی که امکان دارد برخی مقامات عمومی که به لحاظ موقعیت اجتماعی، حساسیت مردم بر روی اعمالشان و مهم‌تر از همه تأثیر رفتار آنها بر جامعه، موقعیتی به مراتب حساس‌تر از چهره‌های عمومی داشته باشند، به دلیل نداشتن شهرت از شمول نظریهٔ اعراض خارج شوند و افزون بر این، در اعمال خود متوسل به دروغ‌گویی نیز نشوند، بنابراین از شمول نظریهٔ ریاکاری نیز خارج می‌شوند. دوم آنکه نظریهٔ اعراض بر فرض غیرمنصفانه‌ای بنا شده است؛ اینکه نقض حریم خصوصی یک فرد فقط به این دلیل که او شخص معروفی است، توجیه شود، بیش از آنکه کمکی به حل تزارحم کند، موجبی برای سوءاستفادهٔ دیگران فراهم می‌آورد تا با انتشار اخبار گوناگون و تمسک به نظریهٔ اعراض صرفاً منافع خود را تأمین کنند. برای مثال، دربارهٔ یک مقام عمومی می‌توان پذیرفت که حقایق مربوط به شغلش، مانند فرار مالیاتی یا استفاده از بودجهٔ عمومی برای تبلیغات، افشا شود. اما پیروان نظریهٔ اعراض معتقدند افراد مشهور هیچ‌گونه حریم خصوصی ندارند؛ چه

1. Waiver theory

2. Hypocrisy theory

3. Hilden, Julie, **does celebrity destroy privacy?**, in: [Http:// writ.news.findlaw.com/script](http://writ.news.findlaw.com/script)

در زمینه امور مرتبطی مانند فرار مالیاتی، و چه درباره امور غیرمرتبط مانند زندگی عاطفی و جنسی^۱.

نظریه ریاکاری نیز بیش از آنکه رنگ و بوی حقوقی داشته باشد، عنوانی ژورنالیستی یا اخلاقی تلقی می‌شود، زیرا در بحث حریم خصوصی مقامات عمومی به دنبال کشف نیت نیستند تا بعدها آشکار شود که عمل یک مقام عمومی از روی ریاکاری بوده است یا خیر. به نظر می‌رسد افزون بر شواهدی که پیش‌تر در تحلیل سطح هنجاری از دل قوانین موضوعه برآمد، در تحلیل سطح نظری حساسیت موقعیت سیاسی مقامات عمومی و لزوم جلوگیری از تحدید آزادی بیان، پرسشی در خصوص حدود حریم خصوصی مقامات عمومی مطرح می‌شود.

۲.۲. گره حریم خصوصی مقامات عمومی و کارکرد حق بر دانستن در گشودن آن

با توجه به مشکلات نظریه‌های اعراض و ریاکاری و با عنایت به نبود نظریه خاصی درباره نقض حریم خصوصی مقامات عمومی، پیشنهاد این پژوهش استفاده از نظریه حق بر دانستن است؛ زیرا اصول این حق، سازوکار مناسبی برای حل این مسئله ارائه می‌دهد.

لازم است برای تحدید حریم خصوصی مقامات عمومی معیارهای روشنی مشخص شود تا بتوان هم از اصول مهم اشاره شده در تبیین مفهوم حق بر دانستن پاسداری کرد، و هم از مزاحمت برای مقام عمومی و در نتیجه گران تمام شدن تصدی مقام برای افراد متقاضی جلوگیری کرد. به هر حال، افراد برای رسیدن به چنین جایگاه‌هایی، هر قدر هم اشتیاق خدمت‌رسانی یا برعکس و سوسه به قدرت رسیدن را داشته باشند، باز متکی به ارزیابی هزینه و فایده خواهند بود و در صورت نبود ملاک‌های مشخص برای واکاوی اعمالشان، احتمال دارد از مقام خود کناره‌گیری کرده یا نامزد نشوند. بنابراین برای رعایت اصل لزوم تداوم امور و خدمات عمومی که به شدت وابسته به حضور مقام عمومی در پست سازمانی خود است،

۱. در موردی مشابه، کریستیان رونالدو، ستاره پرتغالی جهان فوتبال، در پی تولد فرزند خارج از ازدواجش، از همگان تقاضا کرد به حریم خصوصی‌اش احترام بگذارند. ر.ک.

[Http://www.dw.de/%DA%A9%D8%B1%DB%8C%D8%B3%D8%AA%DB%8C%D8](http://www.dw.de/%DA%A9%D8%B1%DB%8C%D8%B3%D8%AA%DB%8C%D8)

تاریخ آخرین مراجعه: ۱۳۹۳/۰۸/۰۲

باید توازنی میان حق بر دانستن و حق بر حریم خصوصی برقرار شود.

شایان ذکر است، زندگی خصوصی و عمومی مقامات عمومی به هم آمیخته است و اعمالشان، حتی پس از انجام وظایف حرفه‌ای، نیز تحت الشعاع موقعیت سیاسی آنها قرار دارد (Cowen & Gross, 2007, p.49). انتخاب‌کنندگان و مالیات‌دهندگان به شدت اعمال آنها را، حتی در خارج از محیط کارشان، زیر ذره‌بین می‌برند؛ به‌ویژه آنکه این مقامات با واسطه یا بی‌واسطه اعتماد عمومی را به خود جلب کرده‌اند که این اعتماد به آنها نوعی مشروعیت مردمی برای انجام امور عمومی می‌بخشد. پس بیره نخواهد بود اگر بگوییم که مردم حق بر دانستن هر موضوعی را که موجب سلب اعتماد عمومی شده است، دارند؛ زیرا در غیر این صورت، آزادی بیان که از مهم‌ترین مقتضیات کنترل قدرت سیاسی است، تضعیف خواهد شد.

برای شکل‌دهی منطقی به اولویت حق بر دانستن بر حق حریم خصوصی، تأملات گوناگونی را می‌توان مطرح کرد:

الف) سوابق اخلاقی یا سلامت جسمی یک مقام عمومی (از جمله انتخابی یا انتصابی بودن آن مقام) ممکن است ملاکی برای ارزیابی او در رسانه‌ها و از دیدگاه شهروندان باشد. در همین راستا می‌توان پرسش‌هایی از این قبیل طرح کرد: آیا نداشتن صداقت تأثیری بر حسن انجام تکالیف یک مقام عالی اداری دارد؟ آیا حضور یک نامزد ریاست جمهوری در جمع‌های خلاف اخلاق ممکن است مانع موفقیت او در انجام وظایف مصرح در قانون اساسی شود؟ آیا ابتلای یک مقام عمومی به بیماری خاصی می‌تواند مانع از حسن انجام وظایف او شود؟ و پرسش‌هایی مانند این که حدود حریم خصوصی مقامات عمومی را مضیق جلوه می‌دهد. یکی از پرونده‌های مطرح در این زمینه، استیضاح مرحوم عوض‌علی کردان، وزیر وقت کشور در سال ۱۳۸۷ش، بود. از جمله دلایل موافقان استیضاح وی، وجود مدرک جعلی تحصیلی (عدم صداقت) در هنگام تصدی مقام وزارت بود.^۱ این استیضاح به برکناری او از مقام وزارت منجر شد.

۱. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک. [Http://www.tabnak.ir/pages/?cid=20561](http://www.tabnak.ir/pages/?cid=20561) تاریخ آخرین مراجعه: ۱۳۹۳/۰۸/۰۵

ب) ملاقات‌های مقامات عمومی به‌ویژه دایره دوستی‌هایشان که مردم همیشه به آن توجه داشته‌اند. بنابر تجربه، دوستان نزدیک این افراد امکان دارد تأثیرات ویژه‌ای بر تصمیم‌گیری‌های کلان کشور بگذارند. فرض کنید مسئول برنامه و بودجه کشوری مدام در رستوران یا مهمانی با صاحبان صنف خاصی دیده شود. برقراری چنین روابطی برای یک فرد عادی و داشتن یک فضای امن برای گپی خودمانی و دور از حضور نامحرم حریم خصوصی شمرده می‌شود (توسلی جهرمی، پیشین، ص ۱۱۶)، اما در این خصوص چون شائبه رانت‌خواری به‌وجود می‌آید، پس مردم به عنوان مالیات‌دهندگان حق دارند از جزئیات چنین قراردادهایی باخبر شوند.

در همین زمینه و در یک افشاگری مهم از سوی یکی از افسران پیشین سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (CIA)، مشخص شد که مقامات عالی‌رتبه عربستان سعودی پس از حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱، برای تداوم رابطه مالی با شرکت‌های نظامی امریکا، مبالغ هنگفتی رشوه به چند مقام سیاسی ارشد این کشور پرداخته‌اند.^۱ قطعاً اگر چنین ارتباطاتی جزئی از حریم خصوصی آن مقامات تلقی می‌شد، ضرر واردشده به بودجه عربستان سعودی و نیز وجهه امریکا جبران‌ناپذیر بود.

ج) به خطر افتادن تعهدات قانونی یک مقام عمومی بر اثر برخی رفتارهای ناشایست، شاید دلیل دیگری بر حق مردم بر اطلاع از حریم خصوصی مقامات عمومی به‌شمار آید. زیرا به احتمال زیاد، چنین مقاماتی مجبور به پنهان‌کاری و احیاناً دادن امتیازاتی برای حفظ آبروی خود می‌شوند. فرض کنید یک مقام ارشد اطلاعاتی با فردی خارج از محدوده قانونی روابط عاشقانه‌ای برقرار کند. بی‌شک ایجاد چنین رابطه‌ای احتمال دارد زمینه‌ساز افشای اسرار ملی شود. بنابراین مردم، به‌ویژه رسانه‌های همگانی، حق بر دانستن درباره زندگی عاطفی چنین مقاماتی را دارند تا در صورت عبور از خطوط قرمز مانع از به‌خطر افتادن منافع ملی شوند.

۱. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک. [Http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2881544](http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2881544)

تاریخ آخرین مراجعه: ۱۳۹۳/۰۸/۰۵

نمونه‌های گوناگونی از چنین برخوردهایی در سال‌های اخیر وجود دارد؛ از جمله در پروندهٔ رسوایی جنسی ژنرال دیوید پترائوس، رئیس سابق سازمان سیا، که به استعفای این مقام منجر شد، یکی از عمده‌ترین نگرانی‌های ناظران، افشای اسناد طبقه‌بندی‌شده در طول برقراری رابطهٔ نامشروع پترائوس با خانم پائولا پردول بود.^۱

به نظر می‌رسد با وجود این تأملات، باید سازوکاری پیشنهاد شود که حق بر دانستن، برای زندگی خصوصی این اشخاص حداقل مزاحمت را ایجاد کند. البته مقداری اختلال در زندگی خصوصی مقامات عمومی را می‌توان تصور کرد، اما طبیعی است که به‌طور کلی نمی‌توان مقامات عمومی و خانوادهٔ آنها را فاقد حق بر حریم خصوصی دانست. پس باید معیاری به‌دست داد تا اعمال حق بر دانستن به صورت لگام‌گسیخته صورت نگیرد.

همان‌طور که پیش‌تر آمد، یکی از اصول حق بر دانستن، حداقل محدودیت در دسترسی مردم به اطلاعات است. اساس بحث آن است که هرگونه محدودیت قائل شدن بر حق بر دانستن باید در یک فرایند منطقی توجیه شود. بنابراین، یک فرایند سه‌مرحله‌ای برای توجیه جلوگیری از حق بر دانستن پیشنهاد شده است:

- مرحلهٔ اول، اطلاعات موردنظر باید مرتبط با هدف قانون در پاسداری از هویت فردی شهروندان باشد.
 - مرحلهٔ دوم، افشای آن اطلاعات به هدف مدنظر قانون‌گذار در حفظ حریم شهروندان آسیب جدی بزند.
 - مرحلهٔ سوم، این آسیب باید از منفعت عمومی حاصل از افشاگری بیشتر باشد.
- در آغاز امر شاید این‌گونه بیان شود که چنین ضابطه‌هایی خاص کشورهای کامن‌لا است و در کشورهایی مانند ایران یا فرانسه که نظام حقوقی نوشته (در مقابل نظام کامن‌لا)

۱. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک.

[Http://www.bbc.com/persian/world/2015/01/150110_u14_petraeus_charges_recommended](http://www.bbc.com/persian/world/2015/01/150110_u14_petraeus_charges_recommended) &
[Http://www.bbc.com/persian/world/2012/11/121112_u04_petraeus_fallout](http://www.bbc.com/persian/world/2012/11/121112_u04_petraeus_fallout)

تاریخ آخرین مراجعه: ۱۳۹۴/۰۴/۱۵

دارند، ناکارآمد است. به این معنا که در نظام حقوق نوشته، قاضی پیرو قانون است و هیچ ابتکار قضایی ندارد. به نظر می‌رسد در نظام‌های حقوق نوشته هم قاضی می‌تواند سازنده باشد؛ یعنی گرچه صلاحیت تغییر و اصلاح قوانین را ندارد، می‌تواند با تفسیر خلاقانه خود حکم قانون را در بسیاری از موارد تغییر دهد. در این زمینه، برخی اندیشمندان معتقدند که پذیرش چنین اختیاری برای قاضی در نظام‌های حقوق نوشته امر جدیدی نیست و حتی در قرن نوزدهم «برخلاف آنچه ظاهراً ابراز می‌شد وظیفه محاکم فقط به اعمال قوانین موجود محدود نمی‌گشت و آنها برای تطبیق مقررات قانونی با شرایط جامعه الزاماً تغییراتی را در قوانین سبب می‌شدند»^۱ (صانعی، ۱۳۸۱، ص ۲۰۴ و ۲۰۵).

در همین راستا در نظام حقوقی فرانسه آرای و وجود دارد که حق انتقاد، آزادی بیان و اطلاع‌رسانی به مردم، بر حق حریم ارجحیت داده شده است (توسلی جهرمی، همان، ص ۸۶؛ پیکارد، ۱۹۹۹، ص ۸۹ به نقل از توسلی جهرمی، همان، ص ۱۱۴). بنابراین، صرف تراحم حق حریم با حق بر دانستن نباید محدودکننده و ناقض آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها برای کسب و انتشار اخبار باشد، بلکه باید این سه مرحله ارزیابی لحاظ شوند. شایان ذکر است که در صورت حاصل شدن نفع عمومی از افشاگری، حتی اگر آن افشاگری به یک حق دیگر آسیب جدی برساند، تقدم با افشاگری خواهد بود (Mendel, op.cit, p.5). برای مثال جمعی از فرماندهان نظامی با طرفداران یک صنف یا حزب خاص در مکانی دیده شده‌اند؛ اطلاعات حاصل از این دیدار شاید مربوط به حق بر حریم خصوصی باشد، زیرا ممکن است چیزی بیش از یک گپ خودمانی نباشد (شماره ۱). همچنین افشای این اطلاعات احتمال دارد با

۱. از جمله تحول در نظام جبران خسارت در فرانسه در همین راستا تلقی می‌شود. درحالی که ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه به روشنی حکم به جبران خسارت را مستلزم اثبات تقصیر یا خطای متهم کرده است، دیوان عالی فرانسه به دلیل صنعتی شدن جامعه و امکان بی‌جبران ماندن بسیاری از خسارت‌ها، و در راستای ایجاد هماهنگی میان حقوق و جامعه، اعلام کرد که هر کس به هر نحو، زمینه‌ای ایجاد کرده باشد که به وارد آمدن خسارت به افراد منتهی شود، ملزم به جبران آن خواهد بود (صانعی، پرویز، پیشین، ص ۲۰۴). این تحولات منحصر به فرانسه نیست و در ایران نیز مراجع قضایی، مانند دیوان عدالت اداری، رویه‌های متفاوتی نسبت به الفاظ قانون درپیش گرفته‌اند. امری که از سوی صاحب‌نظران، به‌ویژه در مواقعی که پای نفع عمومی در میان باشد، بر آن تأکید شده است. رک. هداوند، مهدی و آگاه، وحید و جلالی، محمد، سلسله نشست‌های نقد رأی: مالکیت خصوصی یا منفعت عمومی؟، ناظر: محمد جلالی، پژوهشگاه قوه قضائیه، مرکز استخراج و مطالعات رویه قضایی کشور، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۳: ۵۱.

حمایت قانون‌گذار از حریم خصوصی افراد و نیز حفظ اقتدار نیروهای مسلح در نگاه اولیه، منافات داشته باشد (شماره ۲)، اما به نظر می‌رسد این افراد از آنجا که برای حفظ استقلال و چهره ملی نیروهای مسلح باید از بازی‌های سیاسی به دور باشند، افشای این دیدار امکان دارد موجب ریشه‌یابی فساد در یکی از حساس‌ترین ارگان‌های عمومی کشور و اتفاقاً موجب اقتدار هرچه بیشتر نیروهای مسلح شود؛ زیرا اگر فساد در چنین سازمانی ریشه بدواند باعث بی‌اعتمادی مردم و ازدست رفتن پشتوانه مردمی نیروهای مسلح می‌شود.

رعایت این فرایند دو فایده دارد: از یک سو، موجب محدودیت بدون توجیه حق بر دانستن و تضعیف آزادی بیان نمی‌شود، و از سوی دیگر به مقام قضایی اجازه می‌دهد که در صورت اقامه دعوا مبنی بر نقض حریم خصوصی، به شکل منصفانه‌ای با قضیه برخورد کند؛ یعنی نظارت داشته باشد بر اینکه آیا موضوع افشاگری، مرتبط با اداره شایسته امور بوده است یا خطری برای وظایف سیاسی^۵ اداری مقام مسئول تلقی نمی‌شود؟ البته همان‌گونه که بیان شد، اتخاذ چنین رویکردی در نظام‌های حقوق نوشته، گرچه نیازمند تفسیر خلاقانه قاضی از متن قانون است، امر بدیعی نیست.

افزون بر این نکات که نشان می‌دهد قاضی در نظام حقوق نوشته محصور در مواد قانونی نیست و از امکان تفسیر قوانین بر مبنای قاعده «الاهم فالاهم» و نیز وارد کردن مفاهیمی همچون نفع عمومی برخوردار است، برای تحدید حریم خصوصی مقامات عمومی می‌توان از یک سری ابزارهای سنتی حقوق موضوعه مانند وحدت ملاک نیز بهره برد. همان‌گونه که اشاره شد، بر اساس اصل ۱۴۲ قانون اساسی، قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان دولت، از جمله کشوری و لشکری و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها مصوب ۱۳۳۷ش و نیز کلیات طرح رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران در مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۹۳ش)، اطلاع یک مقام صالح از میزان دارایی برخی مقامات عمومی مجاز شمرده شده است. پس همان‌گونه که دولت در این شرایط از جایگاه حافظ منافع عمومی، حق نقض حریم خصوصی بخشی از مقامات عمومی را دارد، شهروندان در راستای برخورداری از آزادی بیان و نظارت بر اعمال قدرت سیاسی، به مراتب بیشتر از چنین حقی برخوردارند.

در این زمینه، همچنین می‌توان از پیشنهادهای ارائه‌شده در خصوص جمع میان حق آزادی بیان و حق حریم چهره‌های مشهور نیز استفاده کرد. توضیح آنکه مجمع پارلمانی شورای اروپا در قطعنامه شماره ۱۱۵۶ در سال ۱۹۹۸م، در زمینه حریم خصوصی از دولت‌های عضو درخواست کرد تا با سازوکارهایی از جمله پیش‌بینی کردن قرار یا دستور موقت برای پیشگیری از چاپ و انتشار مطالب یا تصویری که بر اساس قراین موجود نقض حریم خصوصی است (توسلی جهرمی، همان، ص ۹۸)، از نقض ناموجه حریم خصوصی جلوگیری کنند. در خصوص مقامات عمومی نیز گفتنی است، قاضی می‌تواند دستور موقت صادر کند که تا زمان بررسی مطالب از جنبه رعایت کردن یا نکردن نفع عمومی، از افشای آنها جلوگیری شود.

نتیجه

شهروندان به‌طور هم‌زمان از حق بر داشتن حریم خصوصی و حق بر دانستن برخوردارند. با وجود مقید بودن تمام حقوق و با توجه به گسترش حیرت‌انگیز فناوری اطلاعات، حق حریم مُحاط در حق بر دانستن است.

به‌نظر می‌رسد با توجه به اقتدار دولت در عرصه عمومی از یک سو، و فلسفه شناسایی حق بر دانستن از سوی دیگر، حق بر دانستن در واقع حقی برای مردم عادی نسبت به دولتمردان، و در راستای متعادل و متقابل کردن نظارت دولت و ملت بر یکدیگر به شیوه بسط‌سازی برای آزادی بیان باشد. یکی از نتایج اعمال این حق، اطمینان از شایستگی و پاکدستی مقامات عمومی و ارتقای مردم‌سالاری است؛ امری که با توجه به اهمیت روزافزون مبارزه با فساد در دستگاه‌های دولتی بسیار مهم به‌شمار می‌آید.

بر اساس مطالب طرح‌شده، به‌رسمیت شناختن حریم خصوصی برای مقامات عمومی همانند افراد عادی نیست. در سطح تحلیل هنجاری، موادی در قوانین موضوعه کشور ما وجود دارد که در شرایطی قائل به حریم خصوصی برای مقامات عمومی نیستند. افزون بر این، در سطح تحلیل نظری، پذیرش یکسان بودن حریم خصوصی در این زمینه، پیامدهای اجتماعی مهمی دربر دارد. مسائلی همچون تقویت مردم‌سالاری، کیان اجتماع و امنیت ملی در موقعیت

دشواری قرار می‌گیرند و به دلیل ناتوانی از ارزیابی تمام اقدامات مقامات عمومی که به قاعده از طرف مردم، مسئول تأمین منافع عمومی هستند، به شدت مستعد خدشه‌دار شدن می‌شوند.^۱

نکته دارای اهمیت درباره ترجیح حق برداشتن بر حریم خصوصی مقامات عمومی، مرتبط بودن افشاگری‌ها با حسن انجام وظایف و نفع عمومی است؛ یعنی افشاگری نباید به گونه‌ای باشد که حالت نلوجه و غیرمرتبط به خود گیرد. این دغدغه با توجه به کنترل‌ناپذیر بودن نشر اخبار در رسانه‌های امروزی، فقط به صورت پسینی و در دادگاه صالح امکان تأمین شدن دارد. در این نوشتار، با توجه به توضیحات پیش‌گفته، و اینکه قضات در صورت نیاز دستگاه قضایی بتوانند در رسیدگی به شکایت مدعی نقض حریم خصوصی، دادرسی عادلانه‌ای را در راستای تأمین دغدغه پیش‌گفته تضمین کنند، یک فرایند سه مرحله‌ای پیشنهاد شده که در نهایت قاضی طبق آن بررسی می‌کند که افشاگری انجام‌شده در خدمت تأمین منفعت عمومی بوده است یا خیر. این فرایند در حقوق موضوعه به کمک تفسیر خلاقه قاضی و نیز ابزارهای سنتی، مانند وحدت ملاک گرفتن از برخی اصول و مواد قانونی، امکان اعمال دارد؛ یعنی در صورت نبود متن قانونی برای شناخت مصادیق نقض موجه حریم خصوصی، این قاضی است که می‌تواند از محدودیت و بی‌محتوایی آزادی بیان جلوگیری کند. افزون بر آن، ممکن است استفاده از نهادهایی مانند دستور موقت، اطمینان خاطر از نقض نشدن ناموجه حریم خصوصی را فراهم آورد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. برای مطالعه درباره مفاهیم مصلحت عمومی، خیر عمومی و ... ر.ک. راسخ، محمد و بیات کمیتکی، مهناز، مفهوم مصلحت عمومی، حق و مصلحت (مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش) ۱۳۹۲، تهران، نشر نی.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. انصاری، باقر (۱۳۸۹)، *حق دسترسی به اطلاعات و تأثیر آن بر روزنامه نگاری*، مجموعه مقالات همایش حقوق مطبوعات، طرح گروهی ظرفیت سازی ملی برای ارتقای حقوق بشر و دسترسی بیشتر به عدالت، تهیه و تنظیم: مرکز مطالعات حقوق بشر و انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه تهران، تهران: گرایش.
۲. ----- (۱۳۹۰)، *حقوق حریم خصوصی*، چاپ دوم، تهران: سمت.
۳. توسلی جهرمی، منوچهر (۱۳۸۵)، «*حریم خصوصی در پناه حاکمیت قانون*»، حکومت قانون و جامعه مدنی، نوشته ناصر کاتوزیان و دیگران، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۴. جعفری تبار، حسن (۱۳۹۰)، *در کنج خلوت (حدود دخالت دولت در حریم خصوصی با ادعای تضمین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)*، در: مجموعه مقالات همایش دولت و تضمینات حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ طرح گروهی ظرفیت سازی ملی برای ارتقای حقوق بشر و دسترسی بیشتر به عدالت، تهیه و تنظیم: مرکز مطالعات حقوق بشر و انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه تهران، تهران: گرایش.
۵. جلالی، محمد (۱۳۹۳)، *سلسله نشست‌های نقد رأی: مالکیت خصوصی یا منفعت عمومی؟*، مجموعه سخنرانی‌ها، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، جلد ۶ چاپ دوم از دوره جدید، تهران: دانشگاه تهران.
۷. راسخ، محمد (۱۳۹۲)، «*مدرنیت و حقوق دینی*»، *حق و مصلحت (مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش)*، تهران: نی.
۸. راسخ، محمد و بیات کیمیتی، مهناز (۱۳۹۲)، «*مفهوم مصلحت عمومی*»، *حق و مصلحت (مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش)*، تهران: نشر نی.
۹. زارعی، محمد حسین (۱۳۸۰)، *فرایند مردمی شدن، پاسخ گویی و مدیریت دولتی*، نشریه مجتمع آموزش عالی قم، شماره ۹، صص ۱۵۶ ° ۱۱۹.

۱۰. صانعی، پرویز (۱۳۸۱)، *حقوق و اجتماع*، تهران: طرح نو.
۱۱. صفایی، سید حسین و امامی، اسداله (۱۳۸۲)، *حقوق خانواده*، جلد ۱، چاپ نهم، تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۹۰)، *حقوق اداری*، چاپ چهاردهم؛ تهران: سمت.
۱۳. قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۹۳)، *حقوق بشر در جهان معاصر*، دفتر دوم: جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها، چاپ سوم، ویرایش اول، تهران: شهر دانش.
۱۴. محسنی، فرید (۱۳۸۹)، *حریم خصوصی اطلاعات - مطالعه کیفی در حقوق ایران*، ایالات متحده آمریکا و فقه امامیه، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۵. معین، محمد (۱۳۸۲)، *فرهنگ فارسی*، جلد ۱، تهران: سی گل.
۱۶. نمک‌دوست تهرانی، حسین (۱۳۸۵)، *اخلاق حرفه‌ای، حریم خصوصی و حق دسترسی به اطلاعات*، نشریه رسانه، شماره ۶۶، صص ۱۹۷-۲۳۲.
۱۷. بی‌نام، «وزارت دادگستری و پلیس فدرال آمریکا خواستار محاکمه پترائوس شدند»، مندرج در:
http://www.bbc.com/persian/world/2015/01/150110_u14_petraeus_charges_recommended
 (۱۳۹۴/۰۴/۱۵)
۱۸. بی‌نام، «جستجوی منزل معشوقه ژنرال پترائوس توسط پلیس فدرال آمریکا»، مندرج در:
http://www.bbc.com/persian/world/2012/11/121112_u04_petraeus_fallo
 ut(۱۳۹۴/۰۴/۱۵)
۱۹. بی‌نام، «کریستیانو رونالدو پدر شد»، مندرج در: <http://www.dw.com/fa-ir/%DA%A9%D8%B1%DB%8C%D8%B3%D8%AA%DB%8C%D8%A7%D9%86%D9%88-%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%A7%D9%84%D8%AF%D9%88-%D9%BE%D8%AF%D8%B1-%D8%B4%D8%AF/a-5762206>، (۱۳۹۳/۰۸/۰۲)،
۲۰. بی‌نام، «کاهش محبوبیت اولاند به ۱۹ درصد»، مندرج در:

[Http://fa.alalam.ir/news/1563256\(۱۳۹۴/۰۴/۱۵\)](http://fa.alalam.ir/news/1563256(۱۳۹۴/۰۴/۱۵))

۲۱. نوروزپور، محمدرضا، «*تسنود تلفن ویکتوریا نولاند و پیام واتسگتن به مسکو*»، مندرج در:
[.Http://www.khabaronline.ir/detail/338017/weblog/norouzpour](http://www.khabaronline.ir/detail/338017/weblog/norouzpour)
(۱۳۹۳/۰۸/۰۱)

۲۲. بی نام، «*روایت افسر سیا از حق السکوت های هنگفت آل سعود*»، مندرج در:
[Http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2881544](http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2881544) .(۱۳۹۳/۰۸/۰۵)

۲۳. بی نام، «*۱۰ عکس دستکاری شده برتر قرن از نگاه تایم معرفی شد*»، مندرج در:
[Http://www.parsine.com/fa/news/11328/10](http://www.parsine.com/fa/news/11328/10) .(۱۳۹۳/۰۸/۱۰)

۲۴. بی نام، «*رئیس پیشین سیا اتهام علیه خود را پذیرفت*»، مندرج در:
[Http://presstv.ir/DetailFa/2015/03/04/400155/ExCIA-chief-admits-gave-classified-mistress\(۱۳۹۴/۰۴/۱۵\)](http://presstv.ir/DetailFa/2015/03/04/400155/ExCIA-chief-admits-gave-classified-mistress(۱۳۹۴/۰۴/۱۵)) ،

۲۵. مطهری، علی، «*کردان یا مدرک جعلی حقوق گرفته*»، مندرج در:
[Http://www.tabnak.ir/pages/?cid=20561](http://www.tabnak.ir/pages/?cid=20561) (۱۳۹۳/۰۸/۰۵).

ب) خارجی

26. Banisar, david, (2000), *Privacy and Human Rights*, an international survey of privacy laws and developments, electronic privacy information center, Washington d.c , 1 st ed
27. ----- (2006), *ARTICLE 19: Global Campaign for Free Expression*, Human Rights in the Global Information Society, Jørgensen,ed., MIT Press, Available in:
http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2069914.
28. *Blacks law dictionary* (1993), By: Henry Campbell back M. A, 6th edition by publishers editorial staff, USA, West publishing co
29. Committee on Open Government, (2013), *Your Right To Know*, Available In: http://www.dos.ny.gov/coog/right_to_know.html

30. Cowen, Alexa & Gross, Lindsey, (2007), "Politicians and Privacy", *Convenient or Invasive: The Information Age*, Brittany Burgess et al, ETHICA PUBLISHING, Boulder, Colorado
31. Hilden, Julie, *Does Celebrity Destroy Privacy?*, in: <http://writ.news.findlaw.com/script>
32. Kanovitz, Jacqueline R.,(2010), Constitutional Law, 12th Edition, Lexis Nexis, USA
33. Lyon, david , the electronic eye: the rise of sureveillance society , Cambridge: polity,1994, Available in: <http://en.bookfi.org/book/1266413>
34. Mendel, Toby (1999), *The Public's Right to Know*, ARTICLE 19, 33 Islington High St., London, N1 9LH, UK
35. Sills, David L, (1972), *International Encyclopedia of The Social Sciences*, New York : the Macmillan Co.& the Free Press ; London : Collier-Macmillan
36. 14. Standler, Ronald B. *Privacy Law in USA*. In: <http://www.rbs2.com>
37. Warren, Samuel D. & Brandeis, Louis D. , (1890), "*THE RIGHT TO PRIVACY*", Harvard L.R. , Vol. IV, No. 5, Available in: [Http://faculty.uml.edu/sgallagher/Brandeisprivacy.htm](http://faculty.uml.edu/sgallagher/Brandeisprivacy.htm)
38. Weatherill, Stephen, (2007), "*The Challenge of Better Regulation*", Better Regulation, Edite by Stephen Weatherill, Portland, us, Hart publishing.
- (ج) سایت‌های اینترنتی
39. Schmidt, Susan& Baker, Peter& Locy, Toni, "*Clinton Accused of Urging Aide to Lie*", In: [Http://www.washingtonpost.com/wpsrv/politics/special/clinton/stories/clinton012198.htm](http://www.washingtonpost.com/wpsrv/politics/special/clinton/stories/clinton012198.htm) تاریخ مراجعه: ۱۳۹۳/۰۷/۱۰